

چهاره روز

محب‌اهری درمان بیماری سرطانش را قطع کرد



● محب‌اهری قصد دارد به‌دلیل قطع‌شدن بیمه‌تکمیلی مخصوص هنرمندان تئاتر، درمان خود را ادامه ندهد. حسین محب‌اهری، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون که مبتلا به سرطان است، به ایسنا گفت: «در دولت قبل بیمه‌ای را به اعضای صنوف خانه تئاتر اختصاص دادند که بیمه طلایی نام داشت و در آن زمان برای هر نوع آزمایش، اسکن و دیگر خدمات درمانی، این بیمه تکمیلی بخش زیادی از پرداختی‌های ما را تأمین می‌کرد.»او با اشاره به اینکه هزینه بسیاری از مراحل درمانی خودش و بیمارانی مشابه او بالاست، افزود: «این شرایط باعث می‌شد، دغدغه ذهنی برای مراجعه به بیمارستان و انجام مراحل درمانی نباشد. اما در دولت جدید مابقی مبلغی را که برای این بیمه باید واریز می‌شد، پرداخت نکردند و از خردادماه عملاً از خدمات بیمه‌تکمیلی برخوردار نبوده‌ایم.»محب‌اهری در مورد هزینه‌های درمانی گفت: «از خردادماه هرچه برای آزمایش، اسکن یا دیگر اقدامات درمانی انجام داده‌ایم از جیب خود هزینه کرده‌ایم و اگر دفترچه بیمه معمولی را هم که داریم از ما بگیرند، هیچ فرقی به حال ما نخواهد کرد.»او که این‌روزها مشغول‌ترین‌در نمایش «رام‌گردن‌زن سرکش» به کارگردانی مریم کاظمی است، ادامه داد: «بنده شخصاً ترجیح می‌دهم برای ادامه درمان خود دیگر به بیمارستان نروم و از مسکن و استامینوفن برای تسکین درد استفاده کنم.»محب‌اهری با اشاره به بهرام ریحانی، پاتونیمه‌کار جوانی که مدتی قبل بر اثر بیماری سرطان درگذشت، گفت: «ریحانی نیز به این دلیل درگذشت که توان پرداخت مالی برای درمان خود را نداشت و دکتر گفته بود که باید برای ادامه معالجه زودتر مراجعه کند.»این بازیگر ادامه داد: «تمام بحث‌هایی که درباره بیمه سلامت و پیگیری‌های بیمه‌ای برای معالجه، به‌ویژه هنرمندان بیمار، انجام می‌شود، صحت ندارد. چون تاکنون هیچ‌کدام از نسخه‌های ما از طریق بیمه پرداخت نشده و پیگیری‌هایی هم که از طرف خانه‌تئاتر صورت گرفته، به پاس‌کاری‌های اداری منجر شده است. به همین دلیل آدم نمی‌داند دم خورس را باور کند یا قسم حضرت‌عباس(ع) را و فقط هرآنچه می‌بینیم و می‌شنویم تبلیغات است و حرف. بخشی از مراحل درمانی من شش‌میلیون‌تومان هزینه دارد که بیمه آن را نمی‌پردازد و این شرایط را سخت‌تر کرده است، درحال حاضر هم آرامش سه‌سال قلم را از دست داده‌ام.»



شرکت گاز استان مازندران

منافقه گزار: شرکت گاز استان مازندران به آدرس: ساری بلوار طالقانی ساختمان مرکزی شماره ۲ امور عملیات و تدارکات کالا خلاصه **موضوع خرید:** رگولاتور **مناقضه شماره:** ۱۱۸۰۴۹ شرکت گاز استان مازندران در نظر دارد موضوع فوق را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای از تأمین کنندگان واجد شرایط تأمین نماید. **موضوع مناقصه:** خرید رگولاتور مدت زمان تحویل کالا: ۹۰ روز (سه ماه) نماینده **دستگاه منافقه گزار:** امور کالا/ تدارکات کالا

تضمین: ۱- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۱۴/۰۵۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا رسید واریز وجه نقد به حساب دستگاه منافقه گزار. ۲- توان ارائه ضمانتنامه های پیش پرداخت (حسب مورد/ انجام تعهدات) **شرایط و مدارک لازم جهت شرکت در مناقصه:** - مدارک ثبتی شرکت حاوی تصاویر مصدق (اساسنامه، آگهی آخرین تغییرات شرکت، آگهی تأسیس شرکت در روزنامه رسمی) - توان مالی و ارائه صورت های مالی حسابرسی شده - ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت - استانداردهای تولید - داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر(ارائه رزمه کاری مرتبط) - حسن سابقه - تضمین کیفیت خدمات، محصولات - نظام کیفیت و نحوه تضمین محصولات (گارانتی) - ظرفیت تولید

محل تحویل اسناد: از شرکت های واجد شرایط دعوت بعمل می آید حداکثر تا ۱۳۸۵/۰۱/۱۹ پس از انتشار آخرین آگهی ضمن دریافت و تکمیل فرم، اعلام آمادگی خود را به همراه مدارک فوق الذکر کنیا و بصورت حضوری ارائه نمایند. بدیهی است پس از ارائه مدارک و بررسی آن و تأیید صلاحیت، نسبت به توزیع اسناد مناقصه در امور تدارکات و عملیات کالا شرکت گاز استان مازندران اقدام خواهد شد.

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۱۳۳۲۰۴۹۱ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار ۹۳/۱۲/۲۵	اطلاعات کلی	تاریخ انتشار	اطلاعات کلی
آخرین مهلت دریافت اسناد	۹۴/۰۱/۲۵	مهلت ارسال اسناد	۹۴/۰۲/۱۵
تاریخ بازگشایی پاکات	۹۴/۰۲/۳۰	احتمال تمدید مهلت بین المللی	۰۰۰/بله/ خیر
هزینه دریافت	به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره سیبیا ۰۲۱۷۴۶۳۵۰۰۸۰۰۳ نزد بانک ملی به نام شرکت گاز استان مازندران	هزینه دریافت اینترنتی تاریخ آخرین اصلاحیه	۰۰۰/بله/ خیر -ریال

توضیحات مهم: جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرسWWW.NIGC-MAZANDARAN.IR- و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس http://ets.mporgir مراجعه فرمایید.



شرکت انتقال گاز ایران منطقه یک

موضوع: تعمیرات جزئی و ضروری برق منازل و ادارات

مدت اجراء: ۳۶۵ روز شمسی

مهلت توزیع اسناد: از تاریخ انتشار نوبت دوم آگهی در روزنامه به مدت ۷ / هفت روز کاری

رشته: ارائه کد تعمیرات و نگهداری ساختمان و ماشین آلات از اداره کل تعاون کار و امور اجتماعی و یا پایه ۵ رشته برق از معاونت راهبردی ریاست جمهوری

ضمانتنامه: مبلغ ۰۰۰/۲۰۰/۱۸ ریال ضمانتنامه بانکی و یا رسید وجه نقدی

واحد قراردادها: ۰۶۱-۵۲۶۵۴۵۱۱

واجد مجری: ۰۶۱-۵۲۶۵۳۷۳۱

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت منطقه ۱ عملیات انتقال گاز به آدرس: WWW.NIGC-ZONE1.IR مراجعه فرمائید.

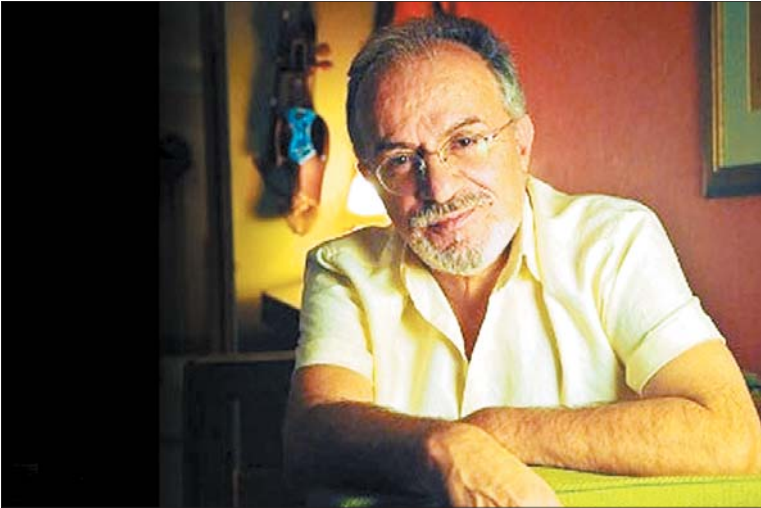
روابط عمومی منطقه یک عملیات انتقال گاز

نوبت اول: ۹۳/۱۲/۱۹

نوبت دوم: ۹۳/۱۲/۲۱

شبکه نمایش خانگی و گلیه‌های بیژن بیرنگ

«عشق تعطیل نیست» زیر سایه بی‌عشقی



مجبور شد در اولین جشنواره‌اش ما را با بعنوان بهترین سریال انتخاب کند. به‌نظرم شاید در «همسران» برای نخستین‌بار بود که یک خانم بازیگر وارد کار کمدی شد و یادمان نرود سال‌های سختی را پشت‌سر گذاشتیم و موانع سخت‌تری داشتیم. به همین منوال در «خانه‌سبز» همین موانع را پشت‌سر گذاشتیم. بعدتر وقتی سریال «سرزمین سبز» را ساختیم، ۱۰سال پخش نشد و بعد از ۱۰سال طوری پخش شد که اصلاً بیننده نداشته باشد.

کاشما همیشه آغازگر اتفاقات جدید در تلویزیون بوده‌اید، مثال بارز آن ساخت سریال‌هایی مثل «همسران» یا «خانه سبز» بود که در زمان خود اتفاق جدیدی به حساب می‌آمد. در شبکه نمایش خانگی سرخا ساخت «شام ایرانی» رفتید و این اواخر هم سریال «عشق تعطیل نیست» که لحن فضایی بسیار متفاوتی دارد. اما تجربه‌های اخیر شما در شبکه نمایش خانگی پس از مدتی متوقف شد. گویا قرار است «عشق تعطیل نیست» هم با گروهی متفاوت‌تر ادامه پیدا کند. اما دقیقاً ماجرا چیست؟

درباره ماجرای آغازگربودن اتفاقات جدید، فکر می‌کنم باید به کمی قبل‌تر از این دوسریال برگشت

یعنی زمانی که من به ایران آمدم و«محل برویا» و «محل بهداشت» را ساختم. اما نتیجه آن این شد که چندان نتوانستم کار کنم.

کاشچرا؟

خب این موضوعی است که شاید الان بتوانم به آن اشاره کنم. بخشی از پاسخ این پرسش در صحبت‌های خود شماسنت. من کارم را با فرمی آغاز کردم که در ایران ناشناخته بود و بعد از ساختن این کارها تمام سبک‌وسایق کار من زیرسوال رفت. نمی‌توانم اسمش را ممنوع‌الکاری بگذارم اما به من گفتند که دیگر این‌سبکی کار نکن. بعد از آن هرچه می‌نوشتم، به این بهانه که باز با آن سبک است رد می‌شد.

کاشبرای سریال‌های «همسران» و «خانه‌سبز» هم همین اتفاقات رخ داد؟ یعنی دچار جرح‌وتعذیل شد؟

طبعاً سریال «همسران» در زمان خودش ایده جدیدی بود. بزرگ‌ترین ایرادی که به آن می‌گرفتند این بود که چرا اینقدر زن و مردها با هم صحبت می‌کنند؟ یا چرا اینقدر با هم شوخی می‌کنند؟ شاید اگر چند اتفاق مثبت برای سریال نمی‌افتاد، سریال نمی‌توانست به‌راحتی روی آنتن برود. یکی از این اتفاقات خوب این بود که در آن سال ماهنامه «فیلم» و مجله «گزارش فیلم» ما را به‌عنوان بهترین سریال سال انتخاب کردند و بعد در نهایت خود تلویزیون

به‌نظرم همه‌چیز از جایی خراب می‌شود که در کاری از بازیگرانی که جنس بازی آنها مطابق با فضای

اتفاقی می‌خواهم به عکس‌العمل‌های مردم در مدت پخش سریال اشاره کنم. تصور می‌کنم فرمی که شما برای ساخت این سریال استفاده کردید، زمانی طولانی نیاز دارد تا جایش را میان مردم باز کند و انگار هنوز برای عده‌ای بسیاری غریبه است...

کاملاً درست است. اما باز به نکته‌های که ی‌کنی

صحبت‌های پیشینم اشاره کردم، برمی‌گردم. یعنی نوع بازیگری که خودش را به این سبک‌وسایق کار بسپارد. همه بازیگرانی که من در «عشق تعطیل نیست» داشتم، خیلی معتقد به این سبک کار نبودند. اگرچه انتخاب کرده بودند و قرار بود با هم این مسیر را ادامه بدهیم اما در عمل این اتفاق نیفتاد. شاید اگر کمی خودشان را به جریان سریال می‌سپردند، اتفاقات بهتری می‌افتاد.

وقتی از شبکه نمایش خانگی حرف می‌زنیم چارچوب‌های خاص خودش را دارد. مثل اینکه باید هزینه‌هایش را از خرید و استقیال مردم تأمین کند. بنابراین مخالف یا موافق‌بودن مردم با این نوع کار تأثیر بسیار زیادی در فروشش می‌گذارد و شاید اصلاً منجر به شکست کار شود و نتوان ادامه داد. شاید شبکه نمایش خانگی برای آزمون این نوع کار مدیوم خوبی نباشد. واقعیت این است که شرط حیات شبکه نمایش خانگی حمایت از آن است. به‌نظرم به همان اندازه که از سینما حمایت می‌شود باید از شبکه نمایش خانگی هم حمایت شود. شبکه نمایش خانگی مثل بچه‌ای می‌ماند که پدر و مادرش مشخص نیست و متأسفانه این مدیوم برای اکثر بازیگران ما مثل زنگ تفریح شده است که وقتی را هم در اینجا بگذرانند و بازدهی مالی خوبی هم برایشان داشته باشد.

کاشیعنی برای ادامه کار تردید دارید؟ تردید ندارم. اما تصور می‌کنم باید با گروهی کار کنم که بتواند خرج و دخلش را تأمین کند. **کاشیعنی در ابتدا انتخاب محمدرضا گلزار و مهناز افشار با این ذهنیت اتفاق نیفتاد؟** من مشکلی با این دو بزرگوار ندارم. هردو آنها با انرژی تمام سرگرا حاضر شدند اما تصور می‌کنم جنس کار من با سابقه و پیشینه آنها کمی تفاوت داشت. مشکلات در جای دیگری هم هست، اینکه ما تا امروز باید ۲۰اقسمت آماده می‌کردیم، در حالی که من فقط پنج‌قسمت سریال آماده دارم. قطعاً این اتفاق به سبب‌استراهای ما مربوط نمی‌شود. بسیاری از دوستان در این کار تمام‌وقت حضور نداشتند. این

فضای به‌شدت بدی است که بازیگران ما همزمان در چندکار حضور دارند.

کاشبه‌نظر تمرکزی برای بازیگر باقی نمی‌گذارد....

بله، به عقیده من هم تمرکزی نمی‌گذارد. از طرفی نمی‌توان برنامه‌ریزی درستی برای حضور آنها در کار داشت. شاید برخی هم با خودشان بعد از مدتی فکر کنند که اصلاً انتخاب درستی داشته‌اند یا نه؟ اصلاً متوجه نمی‌شوم چرا باید این شک وجود داشته باشد؟ فرض بر این است بازیگری که از ابتدا کاری را انتخاب می‌کند باید به آن اعتقاد داشته باشد و دیگر جای بحثی باقی نمی‌ماند. موضوع دیگر درباره دستمزدهای دوستان است. خوب است که عوامل و بازیگران توقعات دستمزدی‌شان را داشته باشند. اما بحثی هم وجود دارد و آن اینکه در مقابل این دستمزد تا چه حد انرژی و توان گذاشته شده است؟ و خوب است که در بخش خصوصی چنین نگاهی داشته باشیم. سرمایه‌گذار هم قطعاً به بازگشت سرمایه‌اش فکر می‌کند و توقع انجام کاری باکیفیت را دارد و نباید به او به چشم کسی نگاه کرد که می‌توان مدام از او پول در خواست کرد. این شبیه آن است که با نگاه مارکسیستی و سوسیالیستی بخواهید مملکت سرمایه‌داری داشته باشید. به نظر می‌آید این‌روزها همه به دنبال مادیات هستند و تعهد به کار کم شده است.

من هم چندین‌سال بود که از فضای کار دور شده بودم و آشنایی زیادی با این اتفاقات نداشتم. اما انگار که این طرز تفکر باب شده است و هرکس به خودش اجازه می‌دهد تا وقتی دستمزدش پرداخت نشده کار را ادامه ندهد. به‌نظرم همه اینها از بی‌عشقی به کار نشأت می‌گیرد. شاید حقیقتاً دیگر کسی به کاری که انجام می‌دهد، عشق نمی‌ورزد.

کاشاین اتفاقات باعث نمی‌شود بیژن بیرنگ برای ادامه کار دلسرد شود؟ و یا به نوعی، از ادامه کار بشیمان؟

نه، من که پشیمان نیستم و دلم می‌خواهد کار ادامه پیدا کند. خوشبختانه طرح ما به‌گونه‌ای نبود که یک قصه دنباله‌دار را روایت کنیم. در هر قسمت داستانی مجزا تعریف می‌شود و شاید این حسن کار است.

کاشبازیگران قسمت‌های بعدی سریال انتخاب شده‌اند؟

ذهنیتش را دارم. گاهی فکر می‌کنم که شاید در انتخاب بازیگران سری اول شتاب‌زده عمل کردم. من در آثارم معمولاً خیلی از بازیگران شناخته‌شده یا سوپرستار استفاده نمی‌کنم. مثلاً در «محل برویا» بازیگران برای اولین بار مقابل دوربین می‌رفتند. بازیگرانی برای اولین بار، اکبر عبدی، حمید جبلی و حتی خانم معتمدآریا که ارادت زیادی به او دارم در آن کار صدایشگی یکی از عروسک‌ها به نام «کله» را انجام داد. در سریال «خانه‌سبز» و «همسران» هم همین‌طور بود. تنها در سریال «خانه‌سبز» بود که خسرو شکیبایی به‌عنوان سوپرستار حضور داشت. در مجموعه خسرو شکیبایی یک استثنا است و در هیچ حیطه‌ای نمی‌گنجد. او عاشق کار و زندگی بود.

شاید بد نباشد که در این فرصت خاطره‌ای از او تعریف کنم. در سریال «خانه‌سبز» طبعاً در کنار بازیگران، نابازیگرانی را هم در کار داشتمیز از یکراننده آژانس گرفته تا پرستار و... من می‌دیدیم که آقای شکیبایی اگر قرار است با آنها بازی کند چندین‌ساعت وقت می‌گذارد و با آنها صحبت می‌کند. گاهی از او می‌پرسیدم که چرا این کار را انجام می‌دهد؟ پاسخش این بود که اگر او نقشش را خوب بازی نکند روی بازی او هم تأثیر خواهد داشت. حقیقتاً کلماتی که از زبان خسرو شکیبایی بیرون می‌آمد و دیالوگ‌های سریال بود با اعتقاد بیان می‌شد. گاهی جملات پیچیده و طعنه به فلسفه‌زده من در ظاهر رنگ‌وبوی شعار داشت و در فضای آرمان‌گونه دیالوگ‌ها گفته می‌شد اما او این کلمات را تبدیل به شعور می‌کرد. چون با اعتقاد و از عمق وجودش بیان می‌کرد.

همین‌الان که سریال مجدداً پخش می‌شود می‌توانید این اتفاق را با دقت بیشتری ببینید. «خانه‌سبز» نمی‌خواست واقعیت اجتماع را نشان بدهد، بلکه حقیقت را بیان می‌کرد و مخاطب باورش می‌کرد. آدم‌های «خانه‌سبز» هرکدام با اعتقاد به فضایی که در آن نفس می‌کشیدند روح قصه را باور کردند و همراه شدند. شاید در اینکته‌های کارها نباید از حضور آدم‌هایی استفاده کرد که اعتقادی به این جنس کار ندارند. ما در سریال «عشق تعطیل نیست» از این صحبت می‌کنیم که اصلاً عشق باید چطور باشد و اصلاً ارتباط بین زن و مرد باید چطور باشد. امیدوارم که در سری بعد آدم‌های معتقدتری را پیدا کنم.

کاشاز «خانه‌سبز» صحبت کردید. فکر می‌کنید دلیلش چیست که این سریال هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود؟

برای اینکه از حقیقت صحبت می‌کنیم. واقعیت‌ها همیشه عوض می‌شوند اما حقیقت تغییر نمی‌کند. حقیقت اینکه خانواده‌ها چطور می‌توانند کنار هم سبز باشند، کهنه‌شدنی نیست. درواقع هرجا از آرمان‌های یک انسان صحبت می‌شود به مرور رنگ‌وبوسی کهنگی نمی‌گیرد و با هربار نگاه‌کردنش به فکر وادارت می‌کند. سخت است آدم‌های زیادی کنار ت باشند و احساس تنهایی کنند. متأسفانه «عشق تعطیل نیست» این احساس را به من داد. ما در سریال این نکته را نقد می‌کنیم اما عملاً اتفاق افتاد.

زیر آسمان فیروزهای

هنرمندان ایرانی درنمایشگاه بزرگ آنکارا



● **شرق:** بازارهای هنری نقش مهمی در معرفی هنرمندان و آثار هنری کشورها ایفا می‌کنند. در چندسال گذشته بازارهای هنری در خاورمیانه با استقبال فراوانی مواجه شده و گسترش یافته‌اند. نمایشگاه هنری آنکارا نیز یکی از این بازارهای بزرگ محسوب می‌شود. امسال تعدادی از هنرمندان ایرانی توسط استودیوی هنری ایگرگ فرصت مناسبی یافته‌اند تا آثار هنری خود را در دو حوزه نقاشی و عکاسی در این بازار بزرگ و بین‌المللی ارایه کنند. نمایشگاه آنکارا امسال در دو بخش میان هنرمندان ایران شده است. بخش اول که به‌صورت اختصاصی به نمایش آثار طراح گرافیک و عکاس ایرانی، «بیژن صیفوری» می‌پردازد و بخش دوم که اختصاص به هنر معاصر ایران دارد، در این بخش آثاری از هنرمندان جوان و پیشکسوت عرصه هنرهای تجسمی به نمایش گذاشته شده است. رعنا فنرود، کورش قاضی‌مراد، مهرداد افسری، کتابون کرمی، آبنوس البرزی، وحید چمانی، سحر افتخارزاده، شیمیا اسفندیاری، علیرضا فانی، شیمیا فریدنی، فرزانه قیدانیلو، مهرداد ختایی، شهره مهران، ندا معین‌افشاری و پونه اوشیدری از جمله شرکت‌کنندگان در بخش «هنر معاصر ایران» این نمایشگاه هستند.

پیشخوان قهوه‌ای

۱۵۸ اثرروی میز حراج دوبی می‌رود پیشتازی ایرانی‌ها وفلسطینی‌ها درکرسیستز هجدهم

● **شرق:** هجدهمین دوره کریستیز خاورمیانه با ارایه ۱۵۸ اثر هنری مدرن و معاصر عرب، ایران و ترک از ۱۲اکتوبر، شامگاه چهارشنبه ۱۲اسفند۹۳ در امارات‌تاورز دوبی برپا می‌شود. در این دوره ۲۸اثر ایرانی از ۲۲هنرمند روی میز حراج می‌رود که غیر از حامد صدرارحامی، جوان ۳۴ساله اصفهانی، اکثریت هنرمندان این دوره در زمره استادان بنام ایران هستند و بالای ۷۰سال دارند. جالب اینجاست که گران‌ترین برآورد اثر هم در این دوره به بانوی هنرمند کشورمان، منیر فرمانفرمایان تعلق گرفته است؛ از این هنرمند ۹۱ساله استاد آیینه‌کاری، اثری با عنوان «تصویر زهر» به فروش گذاشته می‌شود که قیمت پیشنهادی خیره‌کننده ۵۰۰۳۳۵۰۰هزاردلار دارد. از اتفاقات جالب‌توجه دیگر، ارایه پنج‌تابلو از حسین زنده‌رودی است که میانشان یک‌اثر شاخص از مجموعه سقاخانه چکش می‌خورد که ۵۶سال پیش خلق شده و ۱۲۰۰۱۸۰هزاردلار برآورد شده است؛ از فرهاد مشیری سه‌اثر عرضه می‌شود که دواتر از مجموعه معروف او، کوزه‌هاست که گران‌ترین آن ۱۵۰۰۲۰۰هزاردلار برآورد شده و از پرویز تاتولی سه کتیبه در قالب یک اثر چکش می‌خورد که ۶۰۲۴۰۰هزاردلار در کاتالوگ معرفی شده است؛ درعین‌حال حضور دوبانوی هنرمند ایرانی، سونیا بالاسانیان و زنده‌یاد بهجت صدر نیز می‌تواند در زمره زرخداه‌های مهم این دوره قلمداد شود که بالاسانیان، نقاش ۷۳ساله ایرانی ارمنی‌تبار مقیم آمریکا برای نخستین‌بار است که کریستیز حاضر می‌شود که اثر انتزاعی‌اش با عنوان ترکیب شماره‌چهار، ۱۵۰۲۰۱۵هزاردلار برآورد شده است. ارایه یک‌نقاشی انتزاعی اکسپرسیونیستی زیبا از منوچهر یکتایی، نقاش و شاعر ایرانی آمریکایی‌تبار که به ۹۳سال سن، کهنسال‌ترین هنرمند این دوره به‌شمار می‌رود، از دیگر نکات جالب‌توجه است. دوره است؛ تابلو کوچک یکتایی ۱۵۲۰۲۰۱۵هزاردلار برآورد قیمت دارد.دیگر آثار شاخص هنرمندان کشورمان در این حراج عبارتند از: نقاشیخط بزرگ سیدمحمد احصایی ۱۲۰۰۱۸۲۰هزاردلار، نقاشی انتزاعی کوروش شیشه‌گران ۸۰۰۱۲۰هزاردلار، نقاشی فیکوراتیو بهممن محصص ۸۰۰۱۰۰هزاردلار، نقاشی مسعود عرب‌شاهی از معروف‌ترین مجموعه‌اش: آلومینیوم‌ها ۶۰۱۶۰۰هزاردلار، نقاشی انتزاعی کوچک از سهراب سپهری ۶۰۱۶۰۰هزاردلار و مجسمه فیکوراتیو‌کوچکی از بهمن دادخواه، هنرمند ۷۴ساله مقیم فرانسه که هشت‌ا ۱۲هزاردلار پیشنهاد شده است. در این میان البته نقاشی غریض دومتردر ۱۳اسانتیمتری «حامد صدرارحامی» با عنوان «چرا نه» با قیمت ۱۸۱۵۲۱هزاردلار هم چشمگیر است که به‌عنوان تنها جوان ایرانی در کریستیز هجدهم روانیتی جامعه‌شناسانه از هویت در ایران امروز ارایه داده است. مارکو گریگوریان با اثر پسته، حسین کاظمی، قاسم حاجی‌زاده، اردشیر محمص، رضا درخشانی و تیمو ناصری، هنرمند مقیم آلمان دیگر هنرمندان ایرانی در این حراجی معتبر هستند. بخش نمایشگاهی هجدهمین حراج کریستیز شنبه ۱۳اسفند آغازبه‌کار می‌کند و شامگاه چهارشنبه ۱۲اسفند با برپایی حراج به کار خود پایان می‌دهد.